



رأی شورای حل اختلاف قوا به سود دولت صادر شد

روحانی به بهارستان نمی رود

گروه سیاست: دولت پیروز شد؛ در چالش با مجلس بر سر ارائه گزارش عملکرد سالانه. به نظر می رسد این بار رئیس جمهوری بر سر موضع خود ایستاد و پرونده به سود دولت خاتمه پیدا کرد. اوایل مرداد بود که رئیس مجلس از نامه حسن روحانی...

صفحه ۳

شنبه ۱۹ مرداد ۱۳۹۸ • ۸ ذی الحجه ۱۴۴۰ • ۱۰ آگوست ۲۰۱۹

تپترها

ماجرای خبر بازداشت دادستان سابق تهران چه بود؟

صفحه ۲

در نامه جمعی از فعالان اقتصادی کشور به رئیس قوه قضائیه مطرح شد عراقچی در تمام سمت‌هایی که داشته از تخلف مبرا بوده است

صفحه ۴

فاجعه در علوم پایه

صفحه ۱۳

روایت نمکی از راز سر به مهر سازمان غذا و دارو

صفحه ۱۳

سرزده از نوع شهردار پایتخت

معاون وزیر و رئیس سازمان فناوری اطلاعات ایران نیز میهمان «شرق» بود

صفحه ۱۶

حرف اول

متخلفان بازار ارز چه کسانی هستند؟

مباحث نیکبخت: حقوق دان



روز سه شنبه ۱۵ مرداد، یادداشتی تاریخی- سیاسی- حقوقی به قلم دکتر نعمت احمدی، حقوق دان، با عنوان «فساد و محاکمه مدیران ارشد بانکی» در صفحه اول روزنامه «شرق» منتشر شد. سابقه آشنایی من و آقای احمدی به سال ۱۳۵۱ و با یکی، دو سال اختلاف ورود ما به دانشکده حقوق دانشگاه تهران برمی گردد. هر دو از فارغ التحصیلان اوایل دهه ۵۰ این دانشگاه هستیم که همه استادان آن زمان، ما را در هر زمینه به مقید بودن به قانون اندرز می دادند. از ایشان هم این انتظار هست. نگارنده که علاقه مند به تحصیل در رشته تاریخ بودم، در مقطعی به تحصیلات حقوقی ادامه دادم و دکتر احمدی که مایل به ادامه تحصیل در رشته حقوق جزا بودند، رشته تاریخ را برگزیدند. اکنون حقوق دانان او را محور خوبی می دانند، ولی تاریخ نگاران او را حقوق دان می شناسند. یادداشت مدنظر هم به لحاظ متن و هم از نظر موضوع، نیمی تاریخی و روایت اقدامات «محمد یونس» اقتصاددان و بانکدار مشهور بنگلادشی است و نیمی دیگر از آن، سخنی از هر دری است که امروز خواننده دارد. با وجود آنکه به نظر نمی رسد دکتر احمدی از موضوع اتهام و مستندات آن آگاه باشد، ولی متأسفانه خروجی یادداشت، قصاصات درباره پرونده محاکماتی دو نفر از مدیرانی است که هنوز نتیجه دادرسی آنها مشخص نشده است. نیمه اول یادداشت با واقعیت امر و موضوع پرونده منطبق نبوده و اساسا بر دو مدیر نقشی در تلاطم ارزی و خروج میلیاردها دلار از پرداختی به کسانی که آن را برده اند، نداشتند. هرچند یادداشت های ایشان با بیان حوادث و مسائل تاریخی در کنار مسائل تخصصی، نوشته را پر خواننده می کند، ولی نوعا متخصصان مسائل مختلف با این کار مخالف هستند. این گونه نوشته ها در انتساب اتهام به دیگران، به همان اندازه نارواست که گاهی با حسن نیت در ستایش ها از اشخاص بیان می شود. ما وکلای دادگستری وظیفه داریم منتقد اقدامات خلاف قانون مقامات باشیم و از جابجاری از این و آن به هریزیم و مدافع اجرای قانون باشیم و نیش انتقاد قانون بر نوش گویی به دیگران را ترجیح دهیم. این جانب کیفرخواست این پرونده را دقیقا مطالعه کرده ام و تصور نشود بی گذار به آب زده ام. موضوع اتهام مدیران ارشد بانکی، «خلال در نظام ارزی و پولی کشور از طریق قاچاق عمده ارز» است.

ادامه در صفحه ۲



بهترین فرصت قوه قضائیه برای بهره گیری از یک مهره مهم پتروشیمی در پرونده های این صنعت بزرگ

بازداشت جعبه سیاه پتروشیمی

صفحه ۵



عکس: رضا عباسی، مهر

صفحه ۱۵

یادداشت

راست و چپ تخیلی در ایران

چارچوب یک برنامه پژوهشی، به طور مشخص (concrete) و ایجابی، ضرورت و شیوه تدوین «برنامه جایگزین توسعه» را به روشنفکران رادیکال ارائه دهد. با این هدف که در حوزه عمومی این گفتمان جای سخنان فلسفی- انتزاعی و روایت روایهایی رهایی بخش را بگیرد که اینک به افیون روشنفکران تبدیل شده است؛ چراکه بسیاری تکرار رویای بهشتی زمینی را برای تحققش کافی می دانند و به نام چپ ترویج می کنند و غیر آن را تقبیح؛ در میان آنها به ویژه کسانی هستند که سرمایه را نه یک رابطه اجتماعی بلکه روح دانسته و در نتیجه به جنگ ارواح می روند!

دو، گفتم بلانکیست های شجاع؛ لنین در بیماری کودکی چپ روی، پس از نقل گفته آنها، ابتدا نقد انگلس را می آورد و بعد نقدهای خود را؛ بلانکیست ها: ما کمونیست هستیم؛ زیرا می خواهیم بدون توقف در ایستگاه های بین راه و بدون تمدن دادن به مصالحه که فقط روز پیروزی را به تعویق می اندازد و دوران بردگی را طولانی می کند، به هدف خود نائل شویم. پاسخ انگلس: بلانکیست ها از آن نظر کمونیست هستند که خیال می کنند چون خودشان می خواهند از روی ایستگاه های بین راه جستن کنند، دیگر همه چیز روبه راه است و اگر در همین روزها کار «آغاز شود»... و حکومت به دست آنها بیفتد، آن گاه پس فردا «کمونیسم برقرار خواهد شد»... چه ساده لوحی کودکانه ای است که انسان ناشکیبایی شخصی خود را استدلال تئوریک جلوه گر کند! بخشی از پاسخ لنین نیز چنین است: جنگ در راه سرنگونی بورژوازی بین المللی، جنگی که صد بار دشوارتر، طولانی تر و غریب تر از سرستانه جنگ معمول بین دولت هاست- درعین حال در همان پیش امتناع ورزیدن از مانور و استفاده از تضاد منافع (حتی تضاد موقتی) بین دشمنان و مصالحه... این موضوعی بی اندازه مضحک نیست؟ آیا این شبیه نیست به اینکه ما به هنگام صعود از کوهی دشوار که تاکنون اکتشاف نشده و پای کسی به آنجا نرسیده است، از پیش امتناع ورزیم از اینکه گاهی با پیچ و خم بالا برویم، گاه به عقب بازگردیم و از سمت انتخاب شده صرف نظر کنیم و سمت هایی گوناگون را آزمایش کنیم؟

در جایی دیگر از کتاب، لنین به این گفته کمونیست های «چپ» آلمان که «باید هرگونه بازگشتی را به سوی شکل های مبارزه پارلمانی که از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده است با قاطعیت رد کرد»، چنین پاسخ می گوید: سرمایه داری را از دهه سال پیش از این ممکن بود و با حق کاملی هم ممکن بود «از لحاظ تاریخی و سیاسی کهنه شده» اعلام نمود، ولی این امر به هیچ وجه لزوم مبارزه بسیار طولانی و بسیار سرسخت را بر سر زمینه سرمایه داری منتفی نمی سازد... استاد به مقیاس جهانی- تاریخی در مورد مسئله سیاست عملی، فاحش ترین خطای تئوریک است.

مشایخی و همه کسانی که با استاد به مقیاس جهانی- تاریخی، می خواهند از روی ایستگاه های بین راه جستن نمایند، نباید فراموش کنند که مخصوص پس از فروپاشی سوسیالیسم دولتی، ما هنوز در پای همان کوهی دشواریم که تاکنون اکتشاف نشده و پای کسی بدان جا نرسیده است. پس از انقلاب سوسیالیستی اکتبر ۱۹۱۷ گمان می رفت که قوانین اقتصادی و اجتماعی نظام سوسیالیستی کشف و ابداع شده است، اما اکنون همه نظریه پردازان بزرگ سوسیالیسم معتقدند که قواعد اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم کشف نشده است.

باید توجه داشت بخشی مهم از انگیزه نوامزکسیست ها برای طرح اولیه نظریه وابستگی در واکنش به انواع سوسیالیسم دولتی بوده و اصولا این نظریه برای توسعه کشورهای پیرامونی در چارچوب نظام جهانی سرمایه داری مطرح می شود نه برای برپایی مستقیم سوسیالیسم در یک کشور پیرامونی. انکشافات بعدی نظریه وابستگی نیز پس از شکست نسخه ها و راهبردهای اولیه اش چون «راهبرد جایگزینی واردات» و با تأیید لزوم حضور در بازار جهانی صورت می پذیرد. قواعد اقتصادی و اجتماعی سوسیالیسم به تدریج با مبارزه طبقاتی در بطن نظام سرمایه داری و همراه با توسعه در همین متن و زمینه کشف خواهد شد؛ نه بیرون از آن، نه با سوسیالیسم در یک کشور و نه با توسعه نیافتگی.

مروری بر زندگی و نگرش سیاسی وزیر دادگستری

وزیر خاموش

گروه سیاست: «آسید علی» نامی است که دوستان، بستگان و همشهریانش در خوزستان و به ویژه شهرستان دزفول با آن او را مخاطب قرار می دهند. همه از او توقع مساعدت و همکاری در حل مشکلاتشان را دارند و می دانند از در او بی نصیب باز نخواهند گشت...

صفحه ۶

سال شانزدهم • شماره ۳۴۹۷ • ۱۶ صفحه • ۴۰۰۰ تومان

سرمقاله

سیاست های کلیشهای

احمد غلامی. سردبیر



اگر بگویم مسئله اصلی امروز ایران انتخابات است، بسیاری با شگفتی خواهند گفت «در میان این همه مشکلات داخلی از مسائل سیاسی و اجتماعی گرفته تا مصائب اقتصادی و معیشتی چه کسی به فکر انتخابات است!». شاید مردم در ظاهر در فکر انتخابات نباشند اما این به آن معنا نیست که نسبت به آن بی تفاوت اند. مردم وضعیت را زیر نظر دارند و در پس ذهنشان دغدغه شرکت یا عدم شرکت در انتخابات وجود دارد. مردم با دقت عملکرد و نظرات جناح های سیاسی پوزیسیون و اپوزیسیون را رصد می کنند. در این میان جناح های سیاسی اپوزیسیون تلاش می کنند این تردید را به عدم شرکت در انتخابات تبدیل کنند و بی دلیل نیست که در اغلب رسانه های خود در شبکه های اجتماعی از هر استدلالی استفاده می کنند تا مردم را قانع کنند پای صندوق رای نروند و مردم را به این باور برسانند که از طریق انتخابات دیگر تغییری رخ نخواهد داد؛ طرفه آنکه در این میان برخی اصولگرایان خواسته یا ناخواسته همواره در بیشتر زمینه ها با جریان های اپوزیسیون هم داستان هستند. این هم داستانی یکی از معماهای لاینحل این جناح سیاسی است که چرایی آن تاکنون مبهم باقی مانده است. حتی در این برهه که اپوزیسیون با تمام توان عدم شرکت در انتخابات را راهبردی می کند، این اصولگرایان سکوت معناداری کرده اند و باز این اصلاح طلبان اند که به تغییر از طریق صندوق رای امیدوارند. این باور موجب شده که مورد تندترین انتقادات قرار بگیرند و حتی در شبکه های اجتماعی با تسمخر روبه رو شوند. «استمرارطلب ها» ملایم ترین این استعاره ها برای تضعیف آنان است. دو دولت گذشته دولت اصولگرای احمدی نژاد و دولت تدبیر و امید که نمی توان از آن به عنوان دولت تمام عیار اصلاح طلب نام برد، بیش از هر دولت دیگری در این وضعیت سهیم هستند. این دولت ها سنگ های بزرگی برای نردن برداشتند. احمدی نژاد نه تنها عدالتی به ارمغان نیاورد بلکه در دولتش بیش از هر دولت دیگری فسادهای اقتصادی رخ داد. در بیشتر کارهای دولت تدبیر و امید هم تدبیر نقشی نداشت و امید به معنای انفعال بود. این دو دولت بیش از هر دولت دیگری انتخابات بماهو انتخابات را در مخدوش کردند. اکنون مردم بی برده اند صرفا شرکت در انتخابات مشکلاتشان را حل نخواهد کرد و لازمه هر انتخاب تغییر است و انتخاباتی که به تغییر سیاست ها منجر نشود، انتخابات به معنای واقعی نیست. فرصت تغییر سیاست ها بنیان های دموکراسی را به شکل می دهد. اگر مردم به انتخابات فکر نمی کنند، به دلیل فرار از مسئولیت انتخاب است؛ انتخابی که نتیجه اش به پای آنان نوشته می شود. مردم نگران اند دوباره تغییر چندان رخ ندهد. همین دلسردی گروه های سیاسی ذی نفخ را بر آن داشته تا بر کلیل عدم شرکت در انتخابات بکوبند. به راستی چه کسی با کسانی از عدم مشارکت سود خواهد برد؟ این سؤالی اساسی است که یافتن پاسخی قانع کننده برای آن دیگر در توان مردم نیست، دلستکی مدام به انتخابات و ناامیدی از این دل بستگی ها مردم را فرسوده کرده است. آنچه بیش از هر چیز مردم را به تکاپوی انتخاباتی وامی دارد، باور به این نکته است که این بار در سیاست های اقتصادی و اجتماعی تغییری جدی و ملموس صورت می گیرد. چیزی که مردم را در این باور راسخ می کند، بارقه هایی از اهتمام به تغییر است. بی دلیل نیست یکی از تئوریسین های اولگرا در مصاحبه ای چنین می گوید: «ما باید به قدرت اجتماعی برگردیم. اگر تقابل میان قدرت اجتماعی و قدرت سیاسی ایجاد شود، این خود زمینه ای برای انقلاب است». در دولت هاشمی و خاتمی به مردم وعده های رنگارنگی داده نشد. هر دو با دو پروژه روزه کار آمده بودند.

ادامه در صفحه ۲

شماره ۶۰ اندیشه پویا منتشر شد

یک دستم سازاست و یک دستم سپر

شرح یک زندگی هنری: گفت وگو با حسین علیزاده

رجوع به صفحه ۱۵



کارگردان محدوده های ملت به نیستیم

گفت وگو با رضا میرعمی کارگردان «قصر شیرین»

رجوع به صفحه ۱۵

همکار گرامی جناب آقای جواد روح

مصیبت درگذشت پدر گرامیتان را به جناب عالی و خانواده محترم تسلیت عرض می کنیم. از خداوند سبحان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما و سایر بازماندگان صبر و اجر آرزو مندیم.

روزنامه شرق

ارتباط با روزنامه شرق

SHARGHLINE @SHARGHDAILY.IR

ادامه در صفحه ۴